

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۹

اصول جنگ مدرن و سیاست و مقایسه آن با آراء سعدی

(ص ۵۰۶-۴۹۳)

دانیال مولائی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

چکیده

هدف پژوهش بررسی و مقایسه "اصول فرماندهی در جنگ و سیاست"، در اندیشه سعدی با اصول جنگی امروزی است. بدین منظور ابتدا در بخش الف مقاله به ویژگیهای فرمانده از منظر امروزی پرداخته و آن را با ویژگیهای فرمانده از دیدگاه سعدی مقایسه کرده‌ایم. سپس در بخش ب مقاله، اصول نه‌گانه جنگهای مرزی آورده شده و با عقائد سعدی در همین زمینه مقایسه‌ای صورت پذیرفته. نتایج پژوهش بیانگر تشابهات نسبی قابل توجهی در دو منبع مورد تحقیق است.

کلمات کلیدی: جنگ، اصول جنگ، سعدی، دشمن

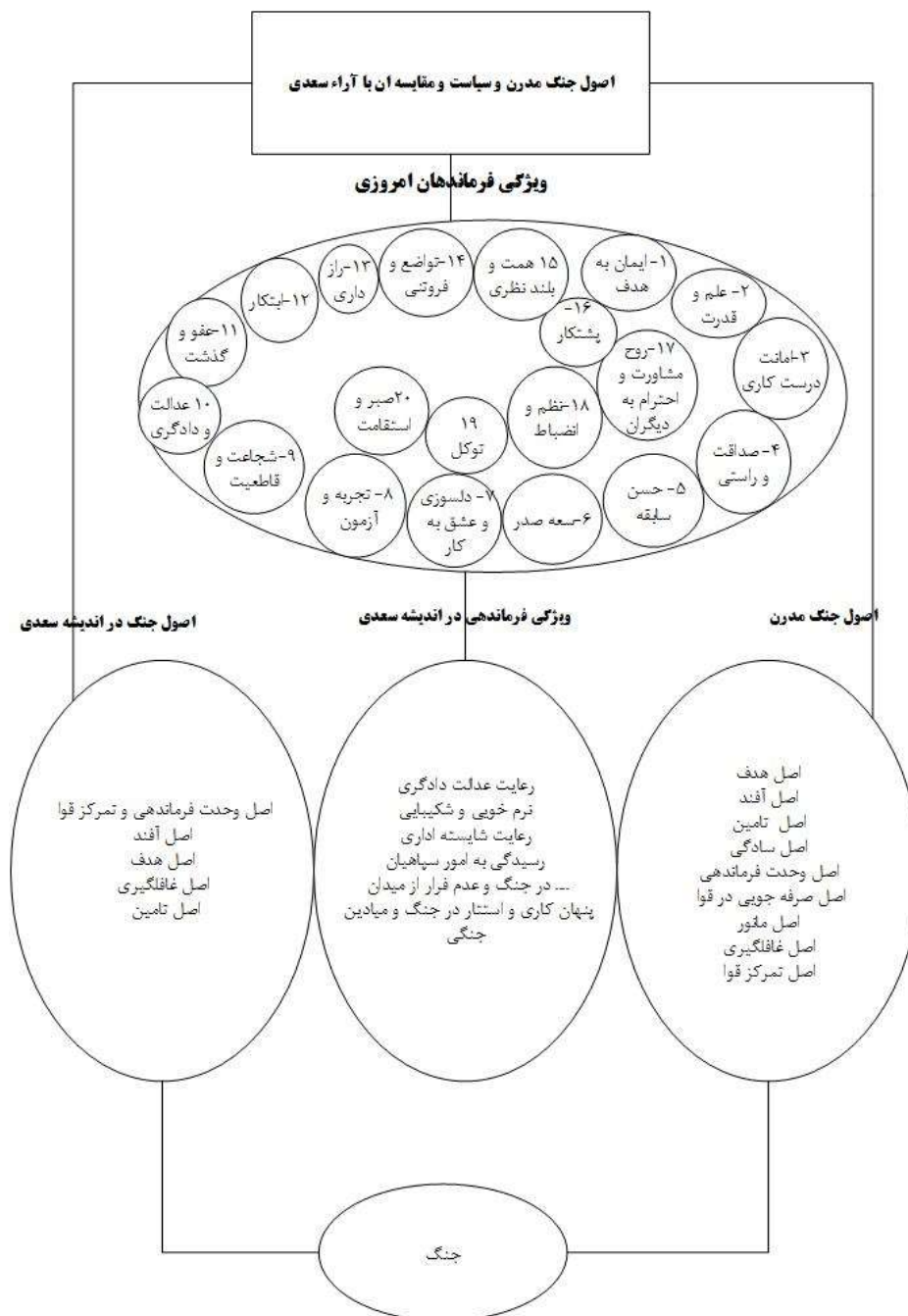
مقدمه و طرح مساله

Danyal1355@chmail.ir

^۱ دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

جنگ امروزیین دارای مولفه‌های نه‌گانه زیر بوده که عبارتند از: ۱- اصل هدف (عبارت از مقصود نهایی است که کلیه تلاش نیروهای نظامی به طرف آن متمرکز و هدایت می‌گردد) ۲- اصل تامین (به کلیه اقداماتی اطلاق می‌گردد که از غافلگیری شدن نیروهای خودی جلوگیری نموده و آزادی عمل را برای آنان فراهم و حفظ مینماید) ۳- اصل سادگی (عبارت از روشنی و سادگی طرحها و نبودن پیچیدگی و ابهام در آنها است) ۴- اصل وحدت فرماندهی (منظور از وحدت فرماندهی آن است که کلیه نیروهای رزمی، تلاشهای خود را هماهنگ نموده و تحت یک فرماندهی و مسئولیت واحد در آیند تا بهترین نتیجه بدست آید) ۵- اصل تمرکز قوا (تمرکز قوا، ایجاد نیروی رزمی در مکان و زمان مناسب) ۶- اصل صرفه جویی در قوا (صرفه‌جویی در قوا عبارت است از کاربرد حد اقل نیرو در یک منطقه) ۷- اصل مانور (مانور عبارت از حرکت و جابجایی حساب شده عده‌ها و آتشها در منطقه نبرد و استقرار آنها در وضعیتی برتر نسبت به دشمن است) ۸- اصل غافلگیری (یعنی وارد آوردن ضربه لازم به دشمن در محل و زمان لازم) ۹- اصل هدف (عبارت از مقصود نهایی است که کلیه تلاش نیروهای نظامی به طرف آن متمرکز و هدایت می‌گردد) ۱۰- اصل آفند (عبارت است از بدست آوردن و حفظ ابتکار و آزادی عمل و تحمیل اراده به دشمن) (دانش نظامی عمومی: ۲۴- ۲۸) اصول و مولفه‌های جنگ از نظر سعدی بطور خلاصه شامل موارد زیر هستند ۱- اصل وحدت فرماندهی و تمرکز قوا ۲- اصل آفندی ۳- اصل هدف ۴- اصل تامین ۵- اصل غافلگیری] و نیز اصولی چون: سادگی_ صرفه جویی در قوا - مانور که از مولفه‌های اصلی جنگ امروزیین است که در اندیشه سعدی به عیان دیده نمیشود. به هر صورت اینک به شرح تفصیلی مطالب گفته شده می‌پردازیم.

مدل پژوهش



بخش الف:**فرماندهی**

فلاسفه و نویسندگان بزرگی چون توماس کارلایل و فردریش نیچه روح نظامی و زندگی سربازی را با ویژگی بی‌روح و زن صفتانه تمدن بورژوازی مقایسه و از فضایل زندگی نظامی سخن گفته‌اند (جامعه‌شناسی سیاسی: ۲۶۸) فرماندهی نظامی هنری است که میتوان آن را از طریق مطالعه، مشاهده، بکارگیری و تجربه آموخت، و توسعه داد. هنر فرماندهی نظامی مستلزم رشد خصایل نیکوی شخصیتی، شناخت و بکارگیری اصول شناخته شده فرماندهی میباشد که فرمانده را در انجام ماموریت محوله موفق میسازد، فرمانده باید با بکارگیری اصول و فنون فرماندهی به شکل مناسب و از طریق اقدامات، دستورات، فرامین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعملها افراد زیر دست خود را رهبری و هدایت نماید. فرمانده باید بطور مستمر وضعیت فرماندهی خود را مورد ارزیابی قرار دهد، قدرت و توان خود را محاسبه کند و نقایص را برطرف سازد. هدف غایی فرمانده نظامی ایجاد و حفظ سازمان و تشکیلاتی است که در آن انجام صادقانه و از روی اراده هر ماموریت معقول محوله یا امر شده را در صورت وجود برعهده دارد و در صورت فقدان فرامین اقدام ابتکاری مناسب را انجام میدهد (جزوه درسی دانشکده فرماندهی و ستاد پاکستان: -)

جنگ

جنگ کشاکش و برخورد مسلحانه میان دو یا چند سو (دانش نامه سیاسی: ۱۱۵) جنگ که هم اکنون دقیقاً مبارزه نظامی بین اجتماعات سیاسی تعریف میشود (جرم و فرهنگ: ۲۰۶) یکی از قدیمیترین و ابتداییترین وسیله حل اختلافات بشری است (فرهنگ جامع علوم سیاسی: ۳۸۱) هیچ دوره ای از تاریخ را نمیتوان یافت که در آن اثری از خشونت و جنگ نباشد (مسائل نظامی و استراتژیک معاصر: ۳۶) جنگ از واژه "War" از ریشه آلمانی "Werra" به معنی آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملتها یا گروه‌های رقیب داخل یک کشور است. هدف از جنگ پیروزی بر رقیب برای مستلزم ساختن او به انقیاد تام است. یک کشور یا به منظور بدست آوردن زمین و مایملک دشمن به جنگ دست می‌یازد یا برای به کرسی نشاندن ادعاهایش یا برای دفاع از خود در برابر ادعاهای دیگران (فرهنگ علوم اجتماعی: ۴۵۰) جنگ را ستیزه گروهی "Group Conflict" خوانده‌اند (زمینه جامعه‌شناسی: ۳۱۱) جنگ مبارزه مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان‌یافته است که خصلت اساسی گروه‌های درگیر روشهای بکار رفته در آن و نظم و سازمان‌یافتگی است. بعلاوه جنگ از نظر مکانی و زمانی محدود است و مقید به قواعد حقوقی‌ای است که بر حسب زمان و مکان به شدت متغیرند. آخرین ویژگی جنگ خونین بودن آن است؛ زیرا اگر جنگ به نابودی انسانها نیانجامد تنها برخورد یا تهدیدی متقابل خواهد بود (تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی: ۷۴) لذا هرگونه ستیزه گروهی جنگ محسوب نمیشود، بلکه جنگ فقط به

ستیزه‌های گروهی معینی تعلق میگیرد. جنگ ستیزه‌خشن و منظمی است که بین دو یا چند اجتماع مستقل درمیگیرد. بنابراین برای تحقق جنگ چند عامل لازم است: ۱. دو یا چند گروه مستقل که هر یک در خط معینی سکونت دارند. ستیزه در گروه‌های نامستقل و بهم آمیخته جنگ محسوب نمیشود. ۲. ارتباط بین گروهها با یکدیگر وجود داشته باشد. میان گروههای بی‌ارتباط نه جنگ و نه صلح معنا ندارد. ۳. ارتباطات ستیزه‌آمیزی بین آنها برقرار باشد. ۴. ارتباطات ستیزه‌آمیز گروهها انتظام کافی داشته باشد. زد خورد نامنظم جنگ به حساب نمی‌آید (زمینه جامعه‌شناسی: ۳۱۴) کارل فن کلازویتس در اثر خود بنام "در باره جنگ" جنگ را تداوم سیاست از طریق قوه قهریه دانست. لنین دیدگاههای وی را تحلیل کرد و برخورد ذهنی بورژوازی او را نسبت به سیاست افشاء کرد. او محتوای طبقاتی سیاست را آشکار کرد و از این طریق ظاهرا کوشید ارتباط میان جنگ و سیاست بر یک اساس علمی استوار سازد (مجموعه آثار و مقالات: -) مائو نیز بر نظریه کلازویتس که جنگ ادامه سیاست است صحنه گذاشت. و از آن دفاع میکرده و معتقد است که وقتی سیاست به مرحله معینی از رشد برسد که نتواند مانند گذشته به کار خود ادامه دهد، جنگ در میگیرد تا موانع موجود را مرتفع سازد (مسائل نظامی و استراتژیک معاصر: ۶۳) کنت والتس در اثر خود به نام "انسان، دولت و جنگ" سه تصور متمایز از روابط بین الملل را مطرح میسازد که براساس آنها ریشه‌های جنگ عبارتند از: طبق تصور اول، ریشه جنگ را باید در طبیعت و رفتار انسان جستجو کرد. طرفداران دومین تصور نیز با توجه به ساختار درونی دولتها به تبیین جنگ میپردازند و شامل دو دسته کلی هستند یکی لیبرالها (که معتقدند نظامهای دموکراتیک بیش از نظامهای دیکتاتوری متضمن صلح هستند) و دیگری مارکسیست-لنینیستها (که معتقد هستند سرمایه‌داری حاصل جنگ و سوسیالیسم حامل صلح) بر اساس تصور سوم ریشه جنگ در شرایطی نهفته است که نظریه‌پردازان سیاسی قدیم (از جمله کانت، اسپینوزا، روسو و در دوران جدید هم هدلی بول) آن را فقدان مرجع بین المللی نامیده‌اند (نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل: ۴۱۹) هدف جنگ از بین بردن جمعیت و انهدام کامل دشمن نیست بلکه هدف از بین بردن قدرت دولت رقیب است (جامه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی: -)

ویژگیهای فرماندهان امروزی

۱-ایمان به هدف ۲-علم و قدرت ۳-امانت و درست کاری ۴-صداقت و راستی ۵-حسن سابقه ۶-سعه صدر ۷-دلسوزی و عشق به کار ۸-تجربه و آزمودگی ۹-شجاعت و قاطعیت ۱۰-عدالت و دادگری ۱۱-عفو گذشت ۱۲-ابتکار ۱۳-راز داری ۱۴-تواضع و فروتنی ۱۵-همت و بلندبندی نظر ۱۶-پشتکار ۱۷-روح مشاورت و احترام به افکار دیگران ۱۸-نظم و انضباط ۱۹-توکل ۲۰-صبر و استقامت (مدیریت و فرماندهی در اسلام ۱۳۷۶)

ویژگیهای فرمانده از منظر سعدی

در واقع میتوان ادعا کرد که رکن رکن توصیه‌ها و تاکیدات این شاعر بزرگ اصل فرماندهی است . در این راستا وی فرماندهان و روسا را به رعایت موارد زیر تشویق و ترغیب مینماید:

الف- رعایت عدالت و دادگری: اساس عالم مطلوب سعدی، عدالت است و دادگستری. یا به تعبیر او «نگهبانی خلق و ترس خدای». بهمین سبب نخستین و مهمترین باب خود را بدین موضوع اختصاص داده است. وی فرمانروایی را میپسندد که روی اخلاص بر درگاه خداوند نهد؛ روز، مردمان را حکم گذار باشد و شب، خداوند را بنده حق گزار، زیرا معتقد است کسی که از اطاعت خداوند سر نیچد هیچ کس از حکم او گردن نخواهد پیچید. پندهایی از زبان پدر به هرمز و نصیحت پدر به شیرویه نیز به منزلهٔ زمینه و طرحی است برای پدید آوردن چنین دادپیشگی و دنیا :

ش‌نیدم که در وقت نزع روان	به هرمز چنین گفت نوشیروان
که خاطر نگه دار درویش باش	نه دربند آسایش خویش باش ...
خرابی و بدنامی آید ز جور	رسد پیش بین این سخن را به غور
بر آن باش تا هرچه نیت کنی	نظر در صلاح رعیت کنی
الا تا نیچی سر از عدل و رای	که مردم ز دستت نیچند پای
گریزد رعیت ز بیدادگر کند	نام زش‌تت به گیتی سمر
از آن بهره ورت‌ر در آفاق کیست	که در ملک رانی به انصاف زیست

(بوستان، باب ۱: ۲۱۲-۲۱۱)

ب- نرمخویی و شکیبایی: نرمش و بردباری از دیگر صفات رهبر مملکت بر شمرده شده است :
 خداوند فرمان و رأی و شکوه
 سر پرغ‌رور از تحمل تهی
 ز غوغای مردم نگردد ستوه
 حرامش بود تاج شاهنشاهی
 چو خشم آوری پای دار
 چو خشم آوری پای دار

زیرا :

چو لشکر برون‌تاخت خشم از کمین
 نه انصاف ماند نه تقوی نه دین
 (بوستان، باب: ۲۲۰)

ت- رعایت شایسته سالاری

اصول جنگ مدرن و سیاست و مقایسه آن با آراء سعدی / ۴۹۹

شایسته سالاری در امور جنگی و نظامی بایستی مدنظر فرماندهان و روسا بوده و افرادی که شایستگی دارند، جهت ایجاد انگیزه و ترغیب دیگران، تشویق گردند.

دلاور که باری تهور نمود بیاید به مقدارش اندر فزود
که بار دگر دل نهد بر هلاک ندارد ز پیکار یأجوج، باک
(بوستان، باب ۱: ۲۴۹)

وی، عجله در استخدام کارمندان را مذموم می‌شمارد و به سیستم لیاقت از طریق انتخاب، معتقد است:

برد بر دل از جور غم بارها که نآزموده دهد کارها
نخواهی که ضایع شود روزگار به ناکار دیده مفرمای کار
(بوستان، باب ۱: ۲۵۰)

در باب ارتقاء نیز:

به عقلش بیاید نخست آزمود سپس به قدر هنر پایگاهش فزود
چو یوسف کسی در صلاح و تمیز به یک سال باید که گردد عزیز
به ایام تا بر نیاید بسی نشاید رسیدن به غور کسی
(بوستان، باب ۱: ۲۱۶)

پ- رسیدگی به امورات سپاهیان: سعدی در مورد سپاهیان نیز نکاتی را یادآوری نموده که در واقع توصیه هایی درباره

سازمان لشگری است از جمله این که :

سپاهی در آسودگی خوش بدار که در حالت سختی آید به کار

وگرنه :

سپاهی که کارش نباشد به برگ کنون دست چرا دل نهد روز هیجا به مرگ
مردان جنگی بیبوس نه آنکه که دشمن فرو کوفت کوس
نواحی ملک از کف بدسگال به لشگر نگه دار و لشگر بمال
ملک را بود بر عدو دست چیر چون لشگر دل آسوده باشند و سیر
بهای سر خویشتن میخورد نه انصاف باشد که سختی برد

چو دارند گنج از سپاهی دریغ دریغ آیدش دست بردن به تیغ
چه مردی کند در صف کارزار که دستش تهی باشد و کار، زار

پس لشگریان در حالت آسودگی و آرامش کشور باید مورد التفات قرار گیرند تا اگر زمانی سختی و جنگ پیش آمد با جان و دل از مملکت دفاع نماید؛ زیرا پادشاه با وجود سپاهیان جان برکف است که میتواند سروری و سلطنت کند :

همان به که لشکر به جان پروری که سلطان به لشکر کند سروری
(گلستان، باب ۱: ۴۴)

ح- پایداری در میدان جنگ و عدم فرار از میدان

ایشان راد مردی و مقاومت در مقابل دشمن را ستوده و ستایش میکند. و در مقابل متواری شدن از میدان جنگ و فرار از تقابل با عدو را مذموم و ناپسند میدانند. و در این خصوص میگوید:
حکم سرباز فراری در میدان جنگ اعدام است. زیرا فرار وی باعث تضعیف روحیه جنگجویان دیگر و شکست سپاه را به دنبال میداشت:

یکی را که دیدی تو در جنگ پشت بکش گر عدو در صفا منش نکشت
سواری که بنمود در جنگ پشت نه خود را که که نام آوران را بکشت

خ- پنهان کاری و استتار در جنگ و میادین جنگی

از دیگر توصیه‌های ایشان پنهان کاری و استتار در جنگ و میادین جنگی است. سعدی پنهان کاری و استتار نیز از فنون جنگ میداند :

به تدبیر جنگ بداندیش کوش مصالح بیندیش و نیت بپوش
منه در میان راز با هرکسی که جاسوس هم کاسه دیدم بسی
سکندر که با شرقیان حرب داشت در خیمه گویند در غرب داشت
چو بهمن به زاولستان خواست شد چپ آوازه افکنند و از راست شد
اگر جز تو داند که عزم تو چیست بر آن رأی و دانش ببايد گریست

دشمن سرسخت را در هر لحظه ممکن باید از بین برد و اجازه زه کرده کمان به او نداد چون این آتش کینه، جهان را خواهد سوزاند و زندگانی تو را نیز به باد خواهد داد :

چو از کار مفسد خبر یافتی
که گر زنده اش مانی، آن بی هنر
وگر سر به خدمت نهد بر درت
فریبنده را پای در پی منه

ز دستش برآور چو دریافتی
نخواهد تو را ز نندگانی دگر
اگر دست یابد ببرد سرت
چو رفتی و دیدی امانش مده

(بوستان، باب ۸، ۳۷۶)

بخش ب:

اصول جنگ کلاسیک

اصول جنگ عبارتند از قواعدی کلی که هدایت نبرد را به عهده دارند یا میتوان گفت که اصول جنگ، حقایق مسلمی هستند که حاکم بر میدان نبرد بوده و کاربرد به موقع آنها در بدست آوردن پیروزی اثر قاطع دارد. این اصول عبارتند از:

- **اصل هدف:** عبارت از مقصود نهایی است که کلیه تلاش نیروهای نظامی به طرف آن متمرکز و هدایت میگردد. در جنگها ممکن است اهداف مختلفی مدنظر باشد. هدف ممکن است یک منطقه خاص جغرافیایی و یا نیروهای دشمن باشد.

- **اصل آفند:** عبارت است از بدست آوردن و حفظ ابتکار و آزادی عمل و تحمیل اراده به دشمن. بزرگترین بخش آفند بدست گرفتن ابتکار و آزادی عمل است که بدین وسیله انتخاب هدفها، محل و زمان و همچنین وسایل لازم برای اجرای مأموریت آسان میگردد.

- **اصل سادگی:** عبارت از روشنی و سادگی طرحها و نبودن پیچیدگی و ابهام در آنها است تا سربازان مأموریتهای تاکتیکی را به خوبی درک و اجرا نمایند و اینکه از بکار بردن تاکتیکهای پیچیده و غیرمعقول پرهیز نمایند.

- **اصل وحدت فرماندهی:** منظور از وحدت فرماندهی آن است که کلیه نیروهای رزمی، تلاشهای خود را هماهنگ نموده و تحت یک فرماندهی و مسئولیت واحد در آیند تا بهترین نتیجه بدست آید.

- **اصل تمرکز قوا:** منظور از تمرکز قوا، ایجاد نیروی رزمی در مکان و زمان مناسب به منظور اجرای مأموریت است.

- **اصل صرفه جویی در قوا:** صرفه جویی در قوا عبارت است از کاربرد حداقل نیرو در یک منطقه، به منظور کاربرد نیروی بیشتر در دیگر مناطق.

- **اصل مانور:** مانور عبارت از حرکت و جابجایی حساب شده عدهها و آتشها در منطقه نبرد و استقرار آنها در وضعیتی برتر نسبت به دشمن است. منظور از اصل مانور این است که وسایل و

نیروهای خود را با در نظر گرفتن محدودیتها و نقاط ضعف دشمن، طوری مستقر کنیم که نتیجه-اش انجام مأموریت با حد اقل کارکنان و وسایل باشد.

-اصل غافلگیری: یعنی وارد آوردن ضربه لازم به دشمن در محل و زمان لازم به ترتیبی که دشمن خود را برای مقابله آماده نکرده باشد. رازداری در طرحها، مخفی کردن حرکات، گسترش عده‌ها، تظاهر و نمایش و سرعت در حرکت مسائلی است که منجر به غافلگیری دشمن میشود.

-اصل تامين: به کلیه اقداماتی اطلاق میگردد که از غافلگیری شدن نیروهای خودی جلوگیری نموده و آزادی عمل را برای آنان فراهم و حفظ نماید. رعایت نکردن این اصل موجب شکست نیروها خواهد شد. (دانش نظامی عمومی: ۲۴-۲۸)

اصول جنگ و سیاست از منظر سعدی

۱- اصل وحدت فرماندهی و تمرکز قوا

امروزه برای نتیجه‌گیری بهتر در عملیتهای نظامی اصل وحدت فرماندهی و تمرکز قوا، یکی از اصول تخطی ناپذیر است (دانش نظامی عمومی: ۲۴-۲۸). این مهم همواره مطمح نظر شیخ اجل بوده است. وی برای وصول اهداف جنگی ایجاد نفاق، دوستگی و اختلاف در بین نیروهای دشمن و بوجود آوردن تعامل و تعاون، اتحاد و همدلی و برادری بین نیروهای خودی را پیشنهاد مینماید و در این خصوص میگوید:

باید دانست که تفرقه در سپاه دشمن، نوید پیروزی است. بنابراین در ایجاد و تشدید آن باید کوشید:

چو در لشکر دشمن افتد خلاف	تو بگذار شمشیر خود در غلاف
چو دشمن به دشمن بود مشغول	تو با دوست بنشین به آرام دل

و در مقابل تفرقه سپاه دشمن، باید به اتحاد سپاه خود اندیشید، زیرا:

پشه چو پر شد بزند پیل را	با همه تندی و صلابت که اوست
مورچگان را چو بود اتفاق	شیر ژبان را بدرانند پوست

(بوستان، باب ۳: ۱۱۷)

وگرنه:

چو بینی که یاران نباشند یار	هزیمت زمیدان، غنیمت شمار
بیندیش در قلب هیچا، مفر	چه دانی که زان که باشد ظفر؟
چو بینی که لشگر زهم دست داد	به تنها مده جان شیرین به باد

(بوستان ۷۸)

۲- اصل آفند

از دیگر مواردی که جهت برتری بردشمن، حفظ ابتکار در میدان جنگ و آزادی عمل نیروهای خودی از اصول امروزمین جنگ به حساب می آید اصل آفند است (دانش نظامی عمومی: ۲۴-۲۸). این اصل نیز مورد نظر سعدی بوده و مسئولان و فرماندهان را به رعایت هوشیاری و درایت، حفظ اسرار نظامی و میادین جنگی، غافلگیر نشدن نیروهای خودی، اتحاد و انسجام نیروهای خودی و در مقابل تشنه و تفرقه در نیروی دشمن و..... را گوشزد مینماید. مثلا در زمینه رعایت احتیاط در برخورد با دشمن اذعان میدارد: «هرمز را گفتند: از وزیران پدر چه دیدی که همه را در بند فرمودی؟ گفت: خطایی معلوم نکردم ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان بیکران است و برعهد من اعتماد کلی ندارند. ترسیدم از بیم گزند خویش، آهنگ هلاک من کنند پس قول حکما را کار بستم که گفته اند:

از آن کز تو ترسد بترس ای حکیم	وگر با چند صد، برآیی به جنگ
از آن مار برپای راعی ز نند	که ترسد سرش را بکوبد به سنگ
نبینی که چون گربه عاجز شود	برآرد به چنگال، چشم پلنگ

(گلستان، باب ۱: ۴۵)

۳- اصل غافلگیری

اصل غافلگیری از دیگر اصول امروزمین جنگ است که برای از پای آوردن دشمن و رسیدن به اهداف جنگی همواره مطمح نظر فرماندهان و مسولان بوده و هست (دانش نظامی عمومی: ۲۴-۲۸). در این زمینه، سعدی به منظور به حد اکثر رساندن خسارت به دشمن و از بین بردن استعداد و امکانات وی، فرماندهان و نیروهای خودی را به حمله ناگهانی و تهاجمی و و آفندی و استفاده از غفلت و بیخبری دشمن و داشتن ابتکار عمل ترغیب نمود است و میگوید:

بباید نهان جنگ را ساختن که دشمن ناهان آورد تاختن
(بوستان ۷۵-۷۶)

همچنین سعدی برای نا موفق ماندن جاسوسان، حاکم را به راز داری توصیه میکند و میگوید در نهان باید به چاره کار پرداخت و تدارک جنگی از همگان پوشیده داشت. (یونسکو جلد ۳: ۷۸)

به تدبیر جنگ بداندیش کوش	مصالح بیندیش و نیت بیوش
منه در میان راز با هر کسی	که جاسوس هم کاسه دیدم بسی

(بوستان، باب ۱: ۲۵۳)

وی نیز عنوان میدارد که سردار یا فرمانده نظامی بایستی در جنگ و سیاست همیشه هوشیار و آگاه بوده و تصمیمات و تفکرات توائم با درایت و هوشمندی، حزم و دور اندیشی باشد.

چو کردی با کلوخ انداز پیکار سر خود را به نادانی شکستی
چو تیر انداختی بر روی دشمن حذر کن کاندر آماجش نشستی
(گلستان، باب ۱: ۵۹)

۴- اصل هدف

مقصود و مقصود نهایی که فعالیت و تلاشهای نظامی و نیروی جنگی بر اساس آن طراحی و بکارگیری میشود (دانش نظامی عمومی: ۲۴-۲۸) اصل هدف است که در اندیشه سعدی نیز برای رسیدن به این مطلوب، اجرای حمله ناگهانی و پرهیز از شبیه خون دشمن را توصیه مینماید.

بباید نهان جنگ را ساختن که دشمن نهان آورد تاختن
(بوستان: ۷۶)

۵- اصل تامین

از دیگر اصول امروزی جنگی که عدم رعایت آن موجب شکست نیروهای خودی و از دست دادن قوا خویش خواهد شد (دانش نظامی عمومی: ۲۴-۲۸). اصل تامین میباشد، که سعدی شیرازی نیز آن توجه ویژه‌ای داشته و همواره بر آگاهی داشتن بر تدابیر دشمن تاکید داشته است.

سکندر که با شرقیان حرب داشت در خیمه گویند در غرب داشت
(بوستان: ۷۸)

نگویم ز جنگ بد اندیش ترس در آوازه صلح از اوبیش ترس
بسا کس که به روز آیت صلح خواند چو شب شد سپه بر سر خفته راند
(بوستان: ۷۶)

نتیجه گیری

با عنایت به آنچه گذشت، دیدیم که در جنگ مدرن دارای مولفه‌های نه‌گانه‌ای است، که مفصلاً راجع به آنها بحث شد. از این مولفه‌ها تعداد شش مولفه (وی اصل وحدت فرماندهی و تمرکز قوا را یکجا آورده در صورتیکه در اصول امروزی جنگ به سه مولفه اصل وحدت فرماندهی، اصل تمرکز قوا و اصل تامین تفکیک شده است) عیناً در اندیشه سعدی مطرح شده که بیانگر تسلط شگفت آور شیخ اجل بر موضوعات متعدد جامعه از جمله اصول جنگ و سیاست بوده است. افزون بر آن مولفه‌های چون اصل سادگی، اصل صرفه‌جویی در قوا و اصل تامین در آراء وی کم رنگ میباشد. از

اصولی که سعدی بر آن تاکید ویژه دارد بحث فرماندهی است که وی شاخصهایی چون: رعایت عدالت و دادگری، نرم خویی و شکیبایی، رعایت شایسته سالاری، رسیدگی به سپاهیان، پایمردی در جنگ و عدم فرار از میدان جنگ و... برمی شمارد.

فهرست منابع

- ۱- دانشنامه سیاسی، آشوری، داریوش، تهران: مروارید ۱۳۸۰.
- ۲- دانش نظامی عمومی، فرقانی، جمشید و امکانی، مصطفی، تهران: معاونت آموزشی نزاجا ۱۳۸۱.
- ۳- روابط بین الملل: نظریه‌ها و رویکردها، قوام، عبد العلی، تهران: انتشارات سمت ۱۳۸۴.
- ۴- زمینه جامعه‌شناسی، آگبرن، ویلیام و نیمکوف، مایر، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران: شرکت سهامی ۱۳۵۲.
- ۵- مجموعه آثار و مقالات، لنین و، ای، ترجمه محمد پورهرمز، بی تا، بی جا.
- ۶- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مکارم شیرازی، ناصر، قم ۱۳۷۶.
- ۷- ذکر جمیل سعدی، یونسکو، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۶۶.
- ۸- بوستان، سعدی، مصلح الدین، تصحیح و توضیح غلام حسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی ۱۳۷۲
- ۹- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مکارم شیرازی، ناصر، چاپ یازدهم، قم: مدرسه امام علی (ع)
- ۱۰- جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، ادیبی، مهدی، تهران، انتشارات سمت ۱۳۷۹.
- ۱۱- مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، ازغندی، علی رضا، روشندل، جلیل، تهران: سمت ۱۳۷۹.
- ۱۲- نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علی رضا طیب، دوئرتی، جیمز، فالترگراف، رابرت، جلد دوم، تهران: قومس ۱۳۷۶.
- ۱۳- تحولات مفهوم امنیت ملی، بصیری، محمدعلی، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۱۵، شماره ۷-۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰.
- ۱۴- جامعه‌شناسی جنگ، بوتول، گاستون، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: علم ۱۳۷۴.
- ۱۵- فرهنگ علوم اجتماعی، بیرو، آلن، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان ۱۳۶۶.
- ۱۶- جرم و فرهنگ، بیابانی، غلامحسین، تهران، کار آگاه ۱۳۸۶.
- ۱۷- تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، خوش وقت، محمد حسین، تهران: وزارت خارجه ۱۳۸۲
- ۱۸- جزوه درسی دانشکده فرماندهی و ستاد پاکستان اقتباس از کتاب درسی دافوس امریکا، سی گارنت، جان، تهران، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۱۹- امنیت ملی مفهومی در حال تکوین، ربیعی، علی، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۸۲.

- ۲۰- بررسی و نقد اصول جنگ در نهج البلاغه، رسولی حبیب‌الله، مجله مدیریت نظامی، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۹
- ۲۱- ساعدی، مصلح‌الدین، بوستان، تصیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران - خوارزمی ۱۳۷۲.
- ۲۲- جامعه‌شناسی سیاسی، بشیریه، حسین، تهران، نی ۱۳۷۹
- ۲۳- نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، دوئرتی، جیمز، فالتزگراف، رابرت، ترجمه علی‌رضا طیب، جلد اول، تهران، قومس ۱۳۷۶.
- ۲۴- فرهنگ جامع علوم سیاسی، طلوعی، محمود، تهران، علمی ۱۳۷۷.